**بسم الله الرحمن الرحیم**

**تخالف الحجج**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه صد و هجدهم\_ 1 آذر 1400**

**[مکتوبات امیرالمؤمنین علیه السلام]**

در زمینۀ کتابت حدیث از نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم در زمان حیات خود آن بزرگوار جهت اولی که مطرح شد این بود: **فی ما کتبه امیر المؤمنین سلام الله علیه.**

از امیر المؤمنین سلام الله علیه کتاب هایی در روایات یاد می شود که مقصود کتاب هایی است که به خطر مبارک امیرالمؤمنین سلام الله علیه است، ایشان 6 کتاب را نام می­برد:

1. صحیفة رسول الله به اعتبار این که اصل حدیث از رسول الله است یا بفرمایید صحیفة علی به این اعتبار که خط مولا است.
2. صحیحة فرائض که در خصوص مباحث مربوط به ارث است. این هم به املاء رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و خط مولا است.
3. جامعه، این هم به خط امیرالمؤمنین و به املاء پیامبر اکرم است. **و فیها کل حلال و حرام**. در برخی روایات این گونه آدرس داده شده است: **کتاب الجامعه**.
4. جفر؛ در این کتاب مطلبی از اصطلاح جفر که مربوط به علوم غریبه است، نیامده است. واژۀ جفر گاهی به معنای پوستی است که در آن مطالبی نوشته می شود، گاهی به معنای آن جلد رویین کتاب ها است که مراقبات از اوراق کتاب ها می کند و معمولا پوست گاو بوده است. مراد در این جا آن معنای اول است، یعنی کتابی که از پوست بوده است، پوست دباغی شده که روی آن می نوشتند.

در مقدمۀ جامع احادیث شیعه روایاتی که دلالت دارد، امیر المؤمنین سلام الله علیه کتابی به نام «جفر» دارد، مشاهده می­شود.

1. به تعبیر ایشان: مصحف فاطمه سلام الله علیها است. که این هم طبق برخی از روایات به خط امیر المؤمنین و املاء رسول الله بوده است. ولی در بعضی از روایات دارد که این مصحف فاطمه بعد از رسول الله نوشته شده است. آقای سیستانی می فرماید روایاتی که نشان می دهد مصحف فاطمه در زمان خود پیامبر نوشته شده بیشتر است و این که تعبیر می کنیم به مصحف فاطمه از این باب است برای تعلیم آن بانوی معظمه پیامبر فرموده است و روایاتی که دارد به خط علی و املا پیامبر صلوات الله علیهما اکثرا عددا هست و مقدم است بر روایات دیگری که می گوید پس از شهادت پیامبر نوشته شده است.

از جمله روایاتی که از مصحف فاطمه نقل شده است آن­چیزی است که در در مورد مقدار زکات است که نشان می دهد در این کتاب احکام فقهی هم بوده است.

و بالاخره کتاب ششم کتابی است به نام کتاب علی. روایاتی هم که از کتاب علی حدیث نقل کرده است که آدرس ها در تقریرات موجود است.

این جهت اول. به بیان ایشان. یعنی فی ما کتبه امیر المؤمنین سلام الله علیه و ایشان معتقد است که آنچه به نام مصحف فاطمه نامیده می شود، زیر مجموعۀ همه آن چیزهایی است که به املاء پیامر بوده است و خط امیرالمومنین صلوات الله و سلامه علیهما و علی آلهما.

**[تعلیقه­ اول بر وجه اول؛ اشکال ابوریة و پاسخ به آن]**

اولین تعلیقۀ ما در این بخش یک نگاهی است به آنچه در کتاب اضواء علی السنة المحمدیه[[1]](#footnote-1) آمده است. محمود ابوریه، در مورد آن کتاب اول به تعبیر سید سیستانی که صحیفة علی باشد ابتدا مدارک و شواهدی را از دو کتاب مهم اهل سنت یعنی صحیح بخاری و صحیح مسلم نقل می کند.

مضمون این رویات این است که امیرالمؤمنین فرمود آن­چه در نزد ما هست، یا نکاتی است که در قرآن کریم آمده، یا مطالبی است که ما با توجه به درک­مان به آن رسیده ایم، و یا آنچیزی که در این صحیفه است. پرسیدند که در این صحیفه که در مثل غلاف شمشیر بوده است. بعضی از آنها را فرمود، از جمله العقل و فکاک الاسیر و ان لا یقتل مسلم بکافر.

مراد از عقل، عقل در برابر جهل در روایات نیست. این عقل اصطلاحی فقهی است همان که می گویید دیه بر عاقل است. آنچه در این کتاب بوده این مباحث فقهی است.

باز از جمله چیزهایی که به صحیفه نسبت داده است و تصریح شده که درست است به خط امیر المؤمنین است ولی از پیامبر اکرم است این است که حد پیامبر بیان شده است و این که در مدینه نباید به بدعت گذار پناه داده شود و یا مطالبی راجع به جزیه.

هم در صحیح مسلم و هم صحیح بخاری.

محمود ابو ریة در مقام اشکال و تعلیقه می گوید ما اطمینانی به این روایات نداریم، حتی اگر راویانش قابل قبول باشند و اصل تردید ما در این روایات این است که اگر بنا باشد، امیر المؤمنین سلام الله علیه چیزی از پیغمبر اکرم بنویسد که به درد دین و دنیای مردم بخورد، مسلمین از آن استفاده کنند، یک کاغذ یا کاغذهایی که در غلاف شمشیر جا بگیرد، کافی برای این مطلب نیست. امیرالمؤمنین باید هزاران حدیث از پیامبر در این موارد نقل کند، این چگونه قابل قبول است؟ این حجر هم در وجود چنین صحیفه ایی تردید دارد. علاوه بر آنچه که آنچه از این صحیفه به ما رسیده است بیشتر نقل به معنا شده است که ایشا معتقد است احادیثی که نقل به معنا شده است از اهمیتش بسیار کاسته می شود.[[2]](#footnote-2)

این تمام حرف ایشان در این 3 صفحه.

در پاسخ می گوییم اگر امیر المؤمنین فقط همین صحیفه را داشت و بس که در غلاف شمشیر قرار گرفته بود، بله می­گفتیم این همه سخنانی که از پیامبر شنیده است، نادیده گرفته شد و چند حدیث را در چند صفحه قرار داده است. اما وقتی دیدید که از امیر المؤمنین به املاء پیامبر کتاب های دیگر هم داریم دیگر این اشکال جا ندارد، کتاب هایی که در آن حلال و حرام و فرائض بیان شده است؛ لذا دیگر جای این مشکل نیست. ظاهرا در این صحیفه یک یادداشت های مختصری بوده است در آنچه در مواردی پیامبر املاء کرده است. حال چه مزایایی در آن صحیفه بوده است، این جای تحقیق دارد که کسی بررسی کند این روایات چه مزیتی داشته است. شاید هم همین طوری جلسات متعدد امیرالمؤمنین اموری را از پیامبر شنیده و در این اوراق یادداشت کرده است.

اما راجع به نقل به معنا بله گزارشی که به من و شما رسیده است قالبا نقل به معنا است اما این گزارشات در حقیقت گزارش مجمل از روایات است نه این­ که بخواهد متن این روایات را به این حد اکتفا بدهد. پس اگر به سند صحیحی چیزی به دست ما رسید از صحیفۀ امیر المؤمنین این اشکالات جناب محمود ابو ریة وارد نیست.

شاید این که آقای سیستانی اصلا اشکالات ایشان را مطرح نکرده است از این جهت است که دیده کتاب هایی از امیر المؤمنین را نقل کرده است و خود به خود 6 کتاب پاسخ مولف هست که اختصاص به صحیفه ندارد.

**تعلیقۀ دوم[تعلیقه­ایی بر تعداد میراث مکتوب حضرت]**

اگر نگاه دیگری به روایاتی که در مورد میراث مکتوب از امیر المؤمنین سلام الله علیه هست، توجه کنیم، به این نتیجه می رسیم:

1. آنچه مولا به عنوان یکی از کتاب وحی از آیات کریمۀ قرآن می نوشته است. در روایات دارد که کاتبان وحی از جمله امیرالمؤمنین سلام الله علیه منتهی این حدیث نیست و قرآن است و جزء میراث مکتوب است و به دست ما نرسیده است آن بحث دیگری است.
2. آنچه به عنوان مصحف علی سلام الله علیه می خوانیم. مراد از این مصحف همان چیزی است که ایشان پس از شهادت پیامبر اکرم مشغول به نگارش آن بود و ان را به قوم ارائه داد و نپذیرفتند. آن مصحف اولا، عینا همین قرآن کریم است، با تفاوت این که سور بر طبق نزول جمع آوری شده است، نه این که کم و زیادی از این مصحف موجود داشته باشد، ثانیا عنوان تفسیر و توضیح نکاتی در این مصحف بیان شده است. نه به عنوان قرآن که بگوییم آن­چه مصحف علی است با مصحف موجود متفاوت است. طبیعتا در آن توضیحاتی که در این مصحف آمده است، مطالبی را هم از پیامبر اکرم امیرالمؤمنین شنیده است و نقل کرده است. حال این مصحف کجاست؟ بماند.
3. میراث سوم همین صحیفۀ علی است که آقای سیستانی فرمود که نام این صحیحفه 10 بار در صحیح بخاری و 3 بار در صحیح مسلم آمده است، که در غلاف شمشیر قرار می گرفته است یا در جای کوچک. در اصل انتساب این صحیفه به امام بحثی نیست ولی عرض شد معنایش این نیست که تمام میراث مکتوب مولا این است. کتاب­های دیگر نام برده است، این یک کتاب­چۀ همراه بوده است، مثل یک یادداشت­هایی که انسان همراه خود می­برد. این هم میراث سوم.
4. اما انچه حضرت آقای سیستانی به اسم جامعه، جفر، صحیفة الفرائض از آن نام بردند، به نظر می رسد چیزی غیر از کتاب بزرگی به نام کتاب علی نیست، نه این که کتاب علی یک کتاب باشد، جفر یکی جامعه یکی و فرائض یکی. شاید نام هایی از یک کتاب است یا نام بخش هایی از یک کتاب است. این کتاب بسیار مفصل و بزرگ بوده که از ودیعه های امامت است..

علوم ائمه بر دو بخش است میراثی و غیر میراثی این جزء علوم میراثی است. ائمه گاهی از این کتاب استفاده می­کردند و احکامی را برای مردم می­خواندند. این کتاب به املاء رسول الله و خط امیر الؤمنین بوده است.

در مروج الذهب مسودی، می گوید:

**انها لصحیفةٌ بخط علی بن أبی طالب، باملاء رسول الله صی الله علیه و آله نتوارثها کابرا عن کابر**[[3]](#footnote-3)

یا در کافی، از امام صادق علیه السلام این چنین آمده است:

**ان عندنا ما لا نحتاج مع الی الناس و ان الناس لیحتاجون الینا**،

ما یک چیزی داریم که با وجود ان به هیچ کس نیاز نداریم دیگران به ما نیاز دارند.

**و عندنا کتاب املاء رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و خط علی علیه السلام ،صحیفة فیها کل حرام و حلال.** [[4]](#footnote-4)

تأویل آیات، حلال و حرام ، آنچه مردم تا روز قیامت از احکام جزائی، عبادات نیاز دارند در این میراث چهارم بوده است.

ان شاء الله این بحث فردا ادامه خواهد داشت.

و صلی لله علی سیدنا و نبینا محمد و آله الطیبین الطاهرین المعصومین .

1. ص 94 تا 96. [↑](#footnote-ref-1)
2. ص 96. [↑](#footnote-ref-2)
3. ج 4، ص 171. [↑](#footnote-ref-3)
4. ج 1 ص 241. [↑](#footnote-ref-4)